

به نام خدا

ششمین نشست از سلسله نشست‌های در محضر نور، شنبه چهارم اردیبهشت‌ماه، مطابق با یازدهمین روز از ماه مبارک رمضان برگزار شد. در این وبینار، حجت‌الاسلام دکتر سیدمحمد ایازی با موضوع «اهمیت صداقت و راست‌گفتاری در عمل» سخنرانی کرد.

دکتر ایازی سخن خود را چنین آغاز کرد: موضوع صحبت من در باب اهمیت صداقت و راست‌گفتاری و به تعبیری صداقت در عمل است. اما منظور از صداقت چیست؟ صداقت به معنای راستی به یک معنا و درستی به معنای دیگر است. بدون تردید وقتی در یک انسان و در یک جامعه صداقت تبلور باید، آن مردم نیک‌رفتار و وفادار می‌شوند و عفت، رازداری و امانت‌داری پیدا می‌کنند. بدین ترتیب توانایی‌هایی در زندگی‌شان شکل می‌گیرد که اصطلاحاً آن‌ها را مهارت‌های زندگی می‌نامیم. زندگی موفق مستلزم برخورداری از این مهارت‌هاست. دسته‌ای از مهارت‌ها مربوط به علم و شغل و... است، اما بخشی از مهارت‌ها مربوط به جنبه‌های معنوی انسان است. انسانی که صفت صدق را داشته باشد، انسانی خواهد بود که مورد اعتماد جامعه قرار می‌گیرد. چنین انسانی، انسان شجاعی خواهد بود. شجاعت را می‌توان در میدان جنگ و نبرد تصویر کرد یا در حوزه اجتماعی در حق‌گویی و حق‌گرایی. در حوزه شخصی نیز شجاعت را می‌توان چنین دانست که انسان قدرت نه گفتن داشته باشد. سخن از صدق و صداقت در آیات و روایات آمده است.

در روایتی از پیامبر آمده است، **عَلَيْكُمْ بِالصِّدْقِ فَإِنَّ الصِّدْقَ يَهْدِي إِلَى الْبِرِّ وَإِنَّ الْبِرَّ ...**

انسانی که راست‌گو و راست‌کردار است و در عمل خود این راستی را نشان داده است، خدا او را به خوبی‌ها هدایت می‌کند....

دکتر ایازی در ادامه افزود برای روشن شدن ابعاد مختلف مسئله صداقت، در وهله نخست باید جایگاه صداقت در نظام اخلاقی را نشان داد. صداقت ریشه چند صفت نیکو است، یکی از این صفت‌ها، صفت «حکمت» است؛ انسان قوت و نیرویی می‌یابد که می‌تواند بین خوبی و بدی انتخابگر باشد و خوب و درست را انتخاب کند. صفت دیگر، «عدالت» به معنای تعادل و میانه‌روی است. یکی دیگر از صفت‌ها صفت «شجاعت» است. صداقت ریشه حکمت عدالت و شجاعت است.

گاهی صادق بودن در برابر کاذب بودن است، یعنی راستگویی مقابل دروغگویی. اما وقتی درباره صداقت صحبت می‌کنید در برابر آن نفاق و چندانگی و چندرویی است. در معنای اخیر صداقت یعنی راستی، یعنی نوعی صمیمیت، صفا و وفا در انسان شکل گرفته است. صادق بودن برای مؤمن، یعنی مؤمن به عهده خود وفا می‌کند و روی سخن خود می‌ایستد.

بررسی جایگاه صداقت در قرآن نشان می‌دهد که بیش از ۱۳ محور در این زمینه در قرآن کریم به کار رفته است. به عنوان مثال صدق، صدق، صدقاتهن، صدیقاً، صدقاً، صدق و.... تعبیراتی هستند که در قرآن آمده است. برای مثال با صورت تفعیل، در تعبیر «صدَّقَ اللهُ و رسوله» چنین فهم می‌شود که مؤمنین در میدان‌هایی مورد امتحان و آزمایش قرار می‌گیرند و آنجاست که باید وفاداری خود را نشان دهند. یا در مورد تعبیر صدیق خداوند از اسماعیل و ابراهیم و ادریس، به عنوان صدیق یاد می‌کند. در آیه ۴۶ سوره یوسف آمده است: «وَأَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَعْنِي يَوْسُفَ صَدِّيقٍ، رَاسِتْ كُورِ وَ رَاسِتْ كُورِ بُوْدَه اَسْت. اَنَكِه بَه مَال وَ نَامُوس دِيگَرِي خِيَانَت نَمِي كُنْد، تَعْبِير صَدِيق دَر مُورِد او بَه كَار مِي رُود. مَعَادِل مَشَابِه صَدِّيق، اَمِين رَا دَارِيم كِه رَسُول اَمِين هَمَان رَسُول صَدِّيق اَسْت.

نکته دیگر اینکه یک تعبیر ترکیبی درباره صدق و صدیق داریم، آن هم تعبیر قدم صدق است. در قرآن سوره یونس آیه ۲ می‌فرماید: «... اِنْ اَنْذِرِ النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ اٰمَنُوا اَنْ لَهُمْ قَدَمٌ صَدِّقٍ... قدم صدق داشتن یعنی ثبات قدم داشتن و ایستادگی کردن در برابر سختی‌ها و دشواری‌ها و پایداری کردن. (اِنَّ الَّذِيْنَ قَالُوْا رَبُّنَا اللّٰهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوْا) معنای دیگر تعبیری است که درباره مهریه آمده است، یعنی صداق. در باب صداق و مهریه دو نوع تفسیر اجتماعی داریم. یکی آنکه مهریه نوعی گروکشی است. اما معنای دیگر که در همان معنای صدقاتهن است، به معنی راستی و صداقت برای نشان دادن صداقت و صمیمیت در زندگی از سوی مرد است.

لذا وقتی درباره صداقت و اهمیت صداقت سخن می‌گوییم تذکر و توجه به این نکته است که صداقت حوزه معنایی گسترده‌ای در قرآن کریم دارد و جنبه‌های مختلفی از وفا، راستی، درستی، امانتداری ثبات قدم و صمیمیت و سلامت در جنبه‌های مختلف آن جای می‌گیرد. این مجموعه حوزه معنایی در باب صداقت است.

بحث در مورد صداقت و اهمیت آن و حوزه‌های آن در جلسات بعدی ادامه خواهد داشت.